



ISSN:2588-7033



The Pahlavi Government's Stance Regarding the Ararat Rebellion and the Drawing of the Borders of Northwestern Iran (1927-1930 AD)

Rahim Pakzad^a, Ali Ghofrani^{b*}

^aPhD Student of History of Islamic Revolution, Department of Education, Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran, rahimpakzad@gmail.com

^bAssociate Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, Bu Ali University, Hamadan, Iran, a.ghofrani@basu.ac.ir

KEYWORDS

First Pahlavi, Ararat rebellion, Ehsan Nuri Pasha, Turkish government

Received: 07 May 2022;

Accepted: 21 December 2022

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.2.5.9

ABSTRACT

From 1927 to 1930, Turkish Kurds in Ararat region rebelled against the government of that country. The goal of this uprising was the independence of the Kurdish regions of Turkey. The Iranian government initially supported the Ararat rebels due to border disputes with Turkey. Using library and documentary sources and a descriptive-analytical method, this article aimed to illuminate the position of the Iranian government towards the Ararat rebellion and the role this stance played in drawing the northwestern borders of Iran. The main hypothesis of the research is that the Pahlavi government did not have a fixed strategy for the Ararat rebellion, and from the beginning until the suppression of the rebels by the Turkish government, the position of the Iranian government was multiple and variable. The findings of the research show that the Iranian government, influenced by factors such as the territorial threats of the Soviet Union and Turkey, the lack of support of the international community for the Ararat rebellion, and the Pahlavi government's focus on internal reforms, finally turned to cooperation with the Turkish government in suppressing the Ararat rebellion and accepting the border agreement signed in 1932 AD.

* Corresponding author.

E-mail address: a.ghofrani@basu.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





موضع دولت پهلوی در قبال شورش آزارات و ترسیم مرزهای شمال غرب ایران (۱۳۰۹-۱۳۰۶)

ه.ش)

رحیم پاکزاد^{الف}، علی غفرانی^{ب*}^{الف} دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، rahimpakzad@gmail.com^ب دانشیار، گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، a.ghofrani@basu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
پهلوی اول، شورش آزارات، احسان نوری پاشا، دولت ترکیه	از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ شمسی گردهای ترکیه در منطقه آزارات بر علیه دولت آن کشور قیام کردند. هدف این قیام استقلال مناطق کردنشین ترکیه بود. دولت ایران ابتدا به علت اختلافات مرزی با ترکیه از شورشیان آزارات طرفداری کرد. بنابراین هدف از نگارش این مقاله پاسخ به این سوال‌ها است: دولت ایران چه موضعی در قبال شورش آزارات داشت؟ این موضع‌گیری چه نقشی در ترسیم مرزهای شمال غربی ایران ایفا کرد؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که دولت پهلوی دارای راهبرد ثابتی در قبال شورش آزارات نبود و از ابتدا تا سرکوب شورشیان توسط دولت ترکیه، موضع‌گیری دولت ایران چندگانه و متغییر بود. در این مقاله تلاش شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی-تحلیلی موضع‌گیری دولت پهلوی در قبال شورش آزارات و نقش آن در ترسیم مرزهای شمال غربی ایران بررسی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، دولت ایران سرانجام تحت تأثیر عواملی نظیر تهدیدهای ارضی شوروی و ترکیه، عدم حمایت جامعه جهانی از شورش آزارات و تمرکز حکومت پهلوی به اصلاحات داخلی، به‌سوی همکاری با دولت ترکیه در سرکوب شورش آزارات و پذیرش قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه.ش روی آورد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

پس از روی کار آمدن رضاشاه یکی از اصلی‌ترین مشکلات دولت پهلوی معضلات مرزی و مبهم بودن مرزهای شمال غربی ایران بود. در مدتی حدود ۴۰۰ سال، از دوران صفویه تا روی کار آمدن خاندان پهلوی، چندین معاهده و صلح‌نامه میان دولت‌های ایران و امپراطوری عثمانی برای تعیین مرزهای دو کشور بسته شد (مهدوی، ۱۳۹۱: ۲۹۹). علت عقد بسیاری از این قراردادها پافشاری بر تعیین وضع اقوام ساکن در مرزهای دو کشور از جمله کردها و عرب‌ها بود.

با شروع قرن بیستم و با فروپاشی امپراتوری عثمانی، گُردزبان‌های ساکن در قلمرو عثمانی، بسان مردم بالکان و سرزمین‌های عرب نشین، برای دستیابی به استقلال سیاسی و فرهنگی به‌پاخاستند (اکوپف (هاکوپیان) و حصارف، ۱۳۷۶: ۱۰۳). ترک‌های جوان پس از سرکوب شورش هواداران سلطان عثمانی در سال ۱۹۰۹ م/ ۱۲۸۷ ه.ش، بیش از پیش بر احساسات تورانی‌گری دامن زدند و اتحاد انورپاشا، طلعت پاشا و جمال پاشا تشکیل شد (برزویی، ۱۳۷۸: ۱۲۷). به نوشته کندال اتحاد سه گانه به امید تسخیر توران ساخته‌ی خیال خود، دست به کشتار بیش از یک میلیون از منی و ۷۰۰ هزار گُردزبان گشود (کندال، ۱۳۷۹: ۷۴).

* علی غفرانی

آدرس پست الکترونیک: a.ghofrani@basu.ac.ir

پس از پایان جنگ جهانی اول کنفرانس سان‌رمو (San reimo) ایتالیا از تاریخ ۱۹ تا ۲۹ آوریل ۱۹۲۰ م/ ۹ اردیبهشت - ۳۰ فروردین ۱۲۹۹ از سران متفقین تشکیل شد (مزه‌ر، ۲۰۰۱: ۹۹). در این میان قرارداد سور (sevre) در تاریخ دهم اوت ۱۹۲۰ م/ ۱۹ مرداد ۱۲۹۹ ه.ش به امضاء رسید (بلو، ۱۳۷۹: ۳۹). بر اساس مواد ۶۲ و ۶۴ قرارداد سور قرار شد پس از یک سال در صورت رضایت همه مناطق کردنشین عثمانی جامعه ملل از دولت ترکیه بخواهد به حق تعیین سرنوشت کردزبان‌ها احترام گذاشته و از تمامی ادعاهای خود در مورد مناطق آنها دست بردارد (قه‌زاز، ۱۹۷۱: ۲۹-۲۸).

برخی کشورهای غربی و به‌ویژه انگلستان که نیازمند منطقه حائلی میان موصل و ترکیه بود، از مسئله استقلال کردزبان‌ها طرفداری می‌کردند (حسین‌خوانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). اما با عقد عهدنامه لوزان (Lausanne) در ژوئیه ۱۹۲۳ م/ ۱۰ خرداد ۱۳۰۲ ه.ش دولت‌های متفقین با عقب‌نشینی از خواسته‌های پیشین خود در مسئله کردهای عثمانی حمایت خود را از دولت ترکیه عملی کردند و بدین ترتیب، پیمان سور تبدیل به پیمانی پوشالی شد (همدی، ۱۳۷۸: ۱۳). سپس سیاستمداران نژادپرست ترکیه در مقابله با عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی ثبت شده به نفع کردزبان‌ها به‌پاخواستند (بدرخانی، ۱۳۸۱: ۵۵) و از سال ۱۹۲۶ م/ ۱۳۰۵ ه.ش استفاده از زبان کردی در مناطق کردنشین را ممنوع اعلام کردند (بلو، ۱۳۷۹: ۴۴).

دولت ترکیه که به دنبال سیاست پاکسازی قومی خود در قرن بیستم از هر ابزاری استفاده می‌کرد، برای کنار گذاشتن زبان و هویت کردزبان‌های آن کشور آنها را با عنوان «ترک‌های کوهی» نامگذاری کرد (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۶۳). ترکیه در اجرای سیاست تورانی‌گری دست به قتل و تبعیدهای اجباری دسته‌جمعی و زندانی نمودن شمار بسیاری از مردم کردزبان زد. اما مقاومت تدریجی کردها در برابر این جنایات سرانجام زمینه را برای قیام عمومی علیه دولت ترکیه فراهم آورد (همدی، ۱۳۷۸: ۱۳). یکی از این قیام‌ها شورش نیروهای آزارات به رهبری احسان نوری‌پاشا بود.

بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال جواب دادن به این سوالات است: دولت ایران چه موضعی در قبال شورش آزارات داشت؟ عوامل مؤثر در موضع‌گیری نهایی دولت ایران کدام است؟ موضع‌گیری ایران در قبال شورش آزارات، چه تأثیری در ترسیم مرزهای شمال غربی ایران داشته است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها فرضیه اصلی بر این استوار است که دولت پهلوی از آغاز تا سرکوب شورش آزارات (۱۳۰۹-۱۳۰۶ ه.ش) رویکردی متغیر و چندگانه داشت. این بی‌ثباتی اثر به‌سزایی در ترسیم مرزهای شمال غربی ایران گذاشت. با توجه به بررسی داده‌های تاریخی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مدعای فوق تأیید می‌شود. چراکه سرانجام طرفداری دولت ایران از شورش آزارات تحت تأثیر عوامل مهمی مانند تمرکز و اشتغال دولت پهلوی بر اصلاحات داخلی، تهدیدات مرزی ایران توسط شوروی و ترکیه، عدم حمایت جامعه ملل از شورش آزارات و اجتناب دولت پهلوی از رویارویی نظامی با دولت ترکیه، تغییر پیدا کرده و به همکاری با دولت ترکیه در سرکوب شورش آزارات ختم شد.

با بررسی پیشینه پژوهش این نتیجه به دست آمد که در برخی پژوهش‌های مرتبط با تاریخ دوره پهلوی و تاریخ ترکیه جدید، موضع دولت ایران به صورت جزئی و گذرا بررسی شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

۱. شورش‌گردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران (۱۳۱۱-۱۳۰۷)، کاوه بیات.

در این پژوهش، شورش آزارات و تأثیر آن در روابط خارجی ایران با ترکیه و روابط میان شورشیان آزارات و دولت ایران بررسی شده است و اطلاعات ارزشمندی در مورد چگونگی و مراحل شورش آزارات به خواننده می‌دهد. آنچه در این اثر می‌توان به‌عنوان

یک ضعف یا خلاء اشاره کرد، غفلت از عوامل مؤثر در موضع‌گیری نهایی دولت ایران در قبال شورش آرات است.

۲. جنبش ملی‌گردد در ترکیه، احسان نوری‌پاشا، ترجمه: محمدرنوف توکلی

نویسنده این اثر احسان نوری‌پاشا رهبر شورشیان آرات است. اطلاعات منحصر به فردی که این اثر به مخاطب می‌دهد، تا حدود زیادی تحت تأثیر تعصبات قومی نویسنده قرار گرفته است. در این کتاب پس از بررسی مفصل شورش آرات و چگونگی آغاز و سرانجام آن، از روابط میان ایران و نیروهای آرات سخن به میان آمده است. در این کتاب نیز به مانند پژوهش پیشین عوامل مؤثر در موضع‌گیری نهایی دولت ایران نسبت به شورشیان آرات چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۳. وقایع آرات، خاطرات احسان نوری‌پاشا فرمانده کردهای شورشی ترکیه، ۱۳۰۹-۱۳۰۷ ه.ش، به کوشش کاوه بیات

از آنجاکه نویسنده در نوشتن خاطرات ممکن است تحت تأثیر احساسات و تعلقات قومی- مذهبی قرار گرفته باشد باید با شک و تردید به محتوای آن نگریسته شود. احسان نوری‌پاشا که پس از شکست قیام آرات به ایران پناهنده شد و تا آخرین روزهای حیات خویش یعنی اواسط دهه ۵۰ شمسی در ایران به سر می‌برد، در خاطراتش از موضع نهایی ایران نسبت به شورشیان آرات گلایه کرده است؛ چراکه به باور ایشان کردهای ترکیه که خود را از نژاد ایرانی می‌دانستند انتظار چنین عدم حمایتی را از دولت ایران نداشتند. در این اثر همانند دو اثر پیشین عوامل مؤثر در موضع‌گیری نهایی ایران در قبال شورش آرات و تأثیر این موضع‌گیری در ترسیم مناطق شمال غربی کشور بحث و بررسی نشده است. در حالی که در مقاله پیش‌رو به این ضعف عمده آثار فوق به‌صورت مشخص و مفصل توجه شده است.

شورش آرات (۱۳۰۹-۱۳۰۶ ه.ش / ۱۹۳۰-۱۹۲۷ م)

فشار و سخت‌گیری خشونت بار دولت ترکیه پس از سرکوب جنبش شیخ سعید پیران (۱۹۲۵ م/ ۱۳۰۳ ه.ش)، احساسات قومی کردزبان‌های آن کشور را بیش از پیش جریحه‌دار کرد (بلو، ۱۳۷۹: ۴۶-۴۵). سرانجام در فاصله سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۰۶ ه.ش/ کردهای ترکیه در منطقه آرات به رهبری احسان نوری‌پاشا بر ضد دولت آن کشور به‌پاخاستند. در بهار سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۰۵ ه.ش جمعی از مردم مناطق کردنشین ترکیه یک انجمن کرد به نام هویبون یا خویبون^۱ تشکیل دادند و اعضای آن همگی سوگند یاد کردند که به مبارزه خویش برای استقلال سرزمین‌های کردنشین ترکیه ادامه دهند (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۴۲۱-۴۲۰). این شورش اولین شورشی بود که توسط یک سازمان ناسیونالیستی غیر مذهبی، رهبری می‌شد (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۰).

احسان نوری‌پاشا که اهل بتلیس و از افسران سابق ارتش بود، به‌عنوان نماینده‌ی انقلابیون «آگری داغ» (آرات) در کنگره‌ی خویبون شرکت جست و پس از آنکه در آنجا مأموریت ایجاد یک کانون مبارزه‌ی مسلحانه به وی واگذار شد، به علت آشنایی با جغرافیای منطقه، آرات را برای این منظور انتخاب کرد (قه‌زاز، ۱۹۷۱: ۴۲-۴۱).

در پی یک رشته مذاکرات میان رهبران خویبون توافق‌های زیر حاصل شد: ۱- انحلال تمام سازمان‌های ملی موجود به‌منظور تشکیل یک سازمان فراگیر. ۲- ادامه مبارزه تا اخراج آخرین سرباز ترکیه از مرزهای مناطق کردی زبان ترکیه. ۳- پیش از دست زدن به یک قیام سراسری: الف- ایجاد یک فرماندهی سراسری کردی، ب- سازماندهی نظامی نیروها و تجهیز آنها با اسلحه و مهمات

^۱ Xoybûn: در زبان کردی به معنای استقلال.

جدید، پ- ایجاد يك مركز آموزش نظامی در یکی از کوه‌های تحت اشغال ترکیه در مناطق کردنشین که هم يك مركز آموزشی باشد و هم يك پایگاه جهت مبارزه نهایی. ۴- تلاش برای یافتن راه‌حلی جهت رفع سوء تفاهم‌های حاصله با ارمنی‌ها. ۵- ایجاد روابط دوستانه با دولت و ملت برادر ایران. ۶- احتراز از طرح هرگونه حقوق سیاسی برای کرد زبان‌های بین‌النهرین و سوریه برای حفظ روابط دوستانه با کشورهای مزبور (بیات، ۱۳۷۴: ۲۵-۲۴).

در انتخاب منطقه‌ی آزارات برای مرکز جنبش تشویق ارمنی‌های عضو حزب داشناک^۲ نقش مهمی داشت؛ زیرا که آزارات از یک سو در مجاورت ارمنستان شوروی قرار گرفته بود که داشناک از سال ۱۹۲۰م/۱۲۹۸ه.ش از آنجا رانده شده بود و هنوز هم خیال آزاد کردن آنجا را در سر داشت. از سوی دیگر، این منطقه در مرز ایران قرار داشت و آزارات کوچک جزئی از خاک ایران به حساب می‌آمد. تبریز در آن زمان مرکز اساسی فعالیت داشناک بود و از آنجا می‌توانستند قیام‌کنندگان آزارات را از نظر اسلحه و تجهیزات یاری دهند (شرف‌کندی، ۱۳۹۲: ۱۴۶). همچنین وجود دامنه‌های سنگلاخی آن برای عملیات شورشیان آزارات مناسب بود (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۳۵۴).

پس از شروع شورش، دولت ترکیه خواهان مذاکره با شورشیان شد؛ اما حزب خوبیون برای آنکه درخواست مذاکره دولت ترکیه را بپذیرد سه شرط اعلام کرد: بازگشت همه‌ی مهاجران کردزبان ترکیه به محل زندگی‌شان، پس دادن زمین‌های ضبط شده‌ی کردها توسط دولت ترکیه به صاحبان اصلی و لغو تصمیم دولت ترکیه مبنی بر تبعید روشنفکران کرد به مناطق غربی ترکیه (داقووقی، ۲۰۱۲: ۱۷۸). سرانجام دولت آنکارا با شورشیان وارد مذاکره شد و در سپتامبر ۱۹۲۸ م/ شهریور ۱۳۰۷ ه.ش برای رؤسای کردی که اطاعت از دولت را پذیرفته بودند، عفو عمومی اعلام کرد و پاره‌ای امتیازات شخصی به احسان نوری بگ داد، ولی از خواسته‌های قومی آنها سخنی به میان نیاورد. نمایندگان کرد پیشنهادت دولت ترکیه را نپذیرفتند و لذا حکومت ترکیه به سلاح متوسل شد (بلو، ۱۳۷۹: ۴۶). دولت ترکیه سیاست ریاکارانه‌ی قدیمی خود را در پیش گرفت. از طرفی به جنگ خود در مقابل مناطق شورشی ادامه داد و سعی بر متلاشی ساختن مقاومت آنها نمود و از طرفی با مناطق دیگر کردنشین با عطف رفتار کرد. غرض این بود که احساسات قوم کرد را بر ضد یکدیگر برانگیزد و عامل بدبختی سرزمین‌های کردنشین را مناطق مسلح کرد نشان دهد. در حال این سیاست به هدف خود نرسید و بالعکس، قیام شورشیان آزارات عمومیت پیدا کرد و لزوم وحدت فزونی گرفت (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۲۲).

موضع دولت ایران در قبال شورش آزارات

تا قبل از شروع شورش آزارات به سبب ادعاهای ارضی دولت ترکیه علیه بعضی مناطق مرزی ایران، رابطه ایران و ترکیه شکننده بود. اما یک سال قبل از شروع شورش آزارات یعنی در اوایل اردیبهشت ۱۳۰۵ ه.ش/ ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ م برای ابراز حسن نیت و استحکام روابط مسالمت‌آمیز ایران و ترکیه عهدنامه ودادیه و تأمینیه میان دو کشور امضاء شد (اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۱).

رضا شاه که در حدود سال ۱۹۲۷ م (۱۳۰۶ ه.ش) تازه به سلطنت رسیده بود روابط ویژه‌ای با انگلیسی‌ها داشت که این امر سبب

^۲ dashnak: یکی از احزاب سیاسی در کشور ارمنستان است که در سال ۱۸۹۰ میلادی در شهر تفلیس توسط کریستاپور میکائلیان، استپان زوریان و سیمون زاواریان بنیاد نهاده شد. نام این حزب را اغلب به اختصار داشناکسوتیون و اعضاء آن را داشناک می‌نامند.

شده بود تا هم با دانشناک به مدارا رفتار کند و هم با اظهار همدردی با مناطق کردنشین، حکومت ترکیه را در حال تهدید و ترس نگهدارد. در نتیجه روابطی با رهبران کردی ترکیه برقرار کرده و قول مساعدت‌هایی به جنبش آزارات چه به‌طور مستقیم و چه از طریق دانشناک ارمنی داده بود (شرفکندی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۶).

همکاری ایل جلالی^۳ با قیام آزارات باعث شد تا بر توان قیام‌کنندگان افزوده شود. در سال ۱۳۰۶ ه.ش ممدوح شوکت‌بیگ سفیر ترکیه در ایران از دولت ایران تقاضا کرد تا به صورت هماهنگ دو دولت ایران و ترکیه به مواضع شورشیان حمله کنند (استادوخ، ۱۳۰۶: ک ۴۲، پ ۲۰). شورش آزارات در ابتدا حمایت ضمنی حکومت رضاشاه را در ایران به دست آورده بود و در نتیجه نیروهای احسان نوری قادر به عبور آزادانه به ایران و دریافت تدارکات از منابعی در کردستان و آذربایجان ایران بودند. ظاهراً رضاشاه قصد داشت با استفاده از کارت کردها، ترکیه را وادار به حل بعضی مناقشات ارضی با ایران بنماید (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۰).

دولت ایران در جواب دعوت دولت ترکیه به حمله نظامی به مواضع شورشیان کردی، اعلام کرد به شدت حرکات گُردزبان‌های ایران را زیر نظر گرفته و مراقب است تا از سوی آنها، کمکی به شورشیان ترکیه نرسد (استادوخ، ۱۳۰۶: ک ۴۲، پ ۲۰). با شروع شورش، جنگ‌های خونین چهار ماه تمام ادامه یافت که چندان زبانی به کردها وارد نیاورد و بالعکس نیروهای ترکیه روزبه‌روز تحلیل می‌رفتند (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۴۷). نیروهای احسان نوری‌پاشا که می‌توانستند از مرزهای ایران گذر کرده و آذوقه و تدارکات از نقاط دور دست تهیه نمایند، نیروی کافی فراهم آورده و به نبرد پرداختند. نظامیان ترکیه چون از عهده‌ی دفع آنها برنمی‌آمدند چند مرتبه از رضاشاه تقاضا کردند تا با اعزام نیرو برای سرکوب شورشیان موافقت کند، ولی شاه به این کار راضی نشد (کنان، ۱۳۹۸: ۳۷).

در مهر ماه ۱۳۰۶ ه.ش/ اکتبر ۱۹۲۷ م بحران مرزی ایران و ترکیه به منتهی درجه رسید؛ زیرا دولت ترکیه بر این باور بود نظامیان ترکی که توسط نیروهای آزارات به اسارت درآمده بودند، در ایران نگهداری می‌شوند (نورائی، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۱). به همین سبب دولت ترکیه سفیر خود در ایران را احضار کرد ولی پس از توضیحات دولت ایران برای رفع اختلاف و از سرگیری مذاکرات مجدداً به تهران آمد (اداره پنجم سیاسی، ۲۵۳۶: ۱۰۷).

ادامه تمرکز نیروهای ترکیه در مرزهای ایران صورت تهدیدآمیزی به خود گرفت. از ارتش سرخ بلشویک‌ها گروهان‌هایی به قسمت آذربایجان رفتند و در خاک ایران مستقر شدند. این عملیات و تهدیدها و فشارهایی که در تهران از طرف سفرای دولت روسیه و ترکیه صورت می‌گرفت نشانگر این حقیقت بود که دولت ترکیه با نقشه‌ی نابودی کامل نیروهای احسان نوری‌پاشا می‌خواست ارتش خود را وارد آذربایجان کند و قسمتی از برنامه پان‌تورانیسم را اجرا کند (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۷).

نظامیان ترکیه که مصمم بودند کار شورشیان را یکسره کنند به مانع بزرگی برخوردند و آن قسمتی از مرز ترکیه و ایران بود که در تحدید حدود سال ۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۱ ه.ش معین شده بود و از آزارات کوچک می‌گذشت. بدین ترتیب نیروهای ترکیه قادر به محاصره نیروهای شورشی که در آزارات پناه بسته بودند، نبودند و شورشیان هر آن می‌توانستند به ایران بروند و از ایران کمک بگیرند. دولت ایران که موفق شده بود از شکست سمکو^۴ به این سو، آرامشی در کردستان ایران پدید آورد مایل نبود نتایج و آثار این سیاست را با

^۳: یکی از ایل‌های کرد مقیم ایران.

^۴: اسماعیل آقا سمیتقو از طایفه شکاک کرد بود. در سال ۱۳۰۱ در منطقه خود که در قسمت غربی دریاچه ارومیه شامل شهرهای سلماس، ارومیه، مهاباد و سلدوز بود، خودسری آغاز کرد و دشمن حماسی رضاشاه بود. سرانجام سمیتقو با توطئه قبلی سران و سپاه رضاشاه پهلولی در شهر اشنویه به قتل رسید.

توسل به نیروی نظامی علیه شورشیان آزارات به خطر افکند؛ چراکه بسیاری از آنها خود وابسته به قبایل ساکن ایران بودند (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۲۶-۱۲۵).

در سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۷ ه.ش جنبش احسان نوری مناطق زیادی را در بتلیس (Betlis)، وان (Van)، آزارات (Ararat) و بوتان (Bhutan) در اختیار داشت. حکومت ترکیه که قادر به جلوگیری از سرایت قیام به دیگر مناطق کردنشین نبود اعتراضات بی‌شماری را به حکومت رضاشاه کرد؛ و تقاضا کرد استفاده‌ی شورشیان آزارات از سرزمین ایران به‌عنوان پایگاه انجام عملیات نظامی خود علیه نیروهای ترکیه منع شود (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

دولت ایران به‌رغم پیمان‌هایی که با ترکیه داشت مخالفتی نسبت به استقلال مناطق کردنشین ترکیه ابراز نکرد. تنها قیدی که قائل بود این بود که ارمنی‌های رابط بین سازمان‌های ارمنی و مقاومت‌گرد از ارامنه‌ی تبعه ایران نباشند. در مدت ادامه شورش، دولت ایران تماس خود را با آن حفظ کرد و در ۱۹۳۰م/۱۳۰۸ ه.ش فرستادگان متعددی به آزارات فرستاد. در این میان دو دولت ترکیه و ایران یک رشته یادداشت تند و تلخ مبادله کردند. در اوت ۱۹۳۰م/مرداد ۱۳۰۹ ه.ش در تهران با نگرانی امکان جنگ با ترکیه مطرح می‌شد (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۲۶-۱۲۵). در یکی از حمله‌های لشکر شمال ترکیه، کردهای شورشی به طرف مرزهای ایران عقب‌نشینی کردند. در این عملیات که کردهای جلالی و تعداد زیادی از کردهای ایران نیز مشارکت داشتند، سپاه ترکیه متحمل ضرر و زیان فراوانی شد؛ اما در نهایت به برتری رسید و نیروهای احسان نوری‌پاشا را در هم شکست. سپس با اجرای عملیات زمین سوخته تمام شهرها، شهرک‌ها و روستاهای کردنشین را در منطقه به آتش کشید (همدی، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

با توجه به چنین وضعیتی که ایران هم با اشغال برخی مناطق مرزی خود روبه‌رو گشته بود و هم هدف دستبرد عشایر کرد وابسته به دولت ترکیه قرار گرفته بود، دولت در دو زمینه داخلی و خارجی دست به یک سری اقدامات زد. از نقطه نظر داخلی انتصاب امیرلشکر امیراحمدی به عنوان سرپرست امور قشونی و انتصاب علی منصور به عنوان والی ولایت آذربایجان در بهار ۱۳۰۶ ه.ش/ ۱۹۲۷م نشانه‌ی توجه دولت به تحولات آن منطقه است (روزنامه اطلاعات: ۱۵ فروردین ۱۳۰۶ ش).

تا این لحظه دولت ایران اقدامی علیه نیروهای احسان نوری‌پاشا انجام نداده بود. به طوری که در خاطرات امیراحمدی آمده است: پس از تعقیب نیروهای آزارات، نظامیان ترکیه بر این قصد بودند که از خاک ایران به شورشیان حمله کنند، ولی راه را بر آنها بستم و گفتم اجازه نمی‌دهم از داخل ایران مسلحانه بگذرید. آنها نیز از راه صعب‌العبوری رفتند و لشکر اعزامی ترکیه شکست خورد؛ به‌گونه‌ای که یک لشکر از میان رفت و غالب سلاح‌شان به دست اکرادی که در خاک ترکیه و ایران سکونت داشتند، افتاد (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۲۹۴-۲۹۳).

کمیته خویبون از همان ابتدا دستوری صادر و به شعبات خود گوشزد کرده بود که ملیون‌گرد باید منافع سیاسی و اقتصادی دولت شاهنشاهی ایران را محترم بشمارند. به طوری که قوای آزارات در طی زد و خورد‌های خود با دولت ترکیه مانند لشکری که مأمور محافظت از منطقه سرحدی ایران باشد، رفتار می‌کردند؛ لذا حق داشت از دولت ایران انتظار پاداش نیکو داشته باشد. ولی در ادامه حوادثی پیش آمد که خلاف این انتظار را به ثبوت رسانید (نوری‌پاشا، ۱۳۷۸: ۸۳).

در ادامه نیروهای احسان نوری‌پاشا توانستند مناطق وسیعی از شرق ترکیه را تحت تسلط خود در بیاورند

(محمدی، ۱۳۸۲: ۸۷). در این میان ترکیه به شدت به دولت ایران اعتراض کرد و از دولت ایران خواست جلو ورود شورشیان به خاک ایران را بگیرد. مدتی بعد وزیرمختار ترکیه در ایران در یادداشتی ملایم خطاب به مقامات ایرانی خواستار همکاری ایران در سرکوب شورشیان آارات شد (دهنوی، ۱۳۸۷: ۲۲۳). با توجه به اشتغال دولت ایران در امور داخلی و انجام اصلاحات در سطح کشور و در پاسخ به درخواست‌هایی از این دست بود که وزارت امور خارجه در یادداشتی به کاردار ایران در آنکارا از او خواست به دولت ترکیه اطمینان دهد ایران با ترکیه همکاری خواهد کرد (همان: ۲۶-۲۵). سرانجام دولت ترکیه از طریق دیپلماسی و دادن یک سری امتیازات، دولت ایران را از ادامه همکاری و کمک به مبارزان احسان نوری‌پاشا و ارمنی‌ها بازداشت (محمدی، ۱۳۸۲: ۸۷). دولت ایران که مایل بود مناسبات حسنه‌ای با دولت ترکیه داشته باشد از موضع گذشته خود نسبت به شورشیان آارات برگشت و قشونی به ریاست سرهنگ حکمت‌علی‌خان نخجوان را برای جنگ با جلالی‌ها فرستاد؛ و او نیز در ناحیه‌ی آارات کوچک به قوای جلالی حمله کرد (ارفع، ۱۳۸۲: ۷۲). در مورد جنگ بین کردهای جلالی و دولت ایران اطلاعات دقیقی در دست نیست. همین قدر می‌توان گفت که شمار نیروهای جلالی به حدود هزار نفر می‌رسید که ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر آنها از کردهای جلالی و حیدرانلو تبعه‌ی ایران و حدود ۳۰۰ نفر از کردهای ترکیه بودند. در برابر آنها ایران حدود ۶۰۰۰ نفر سرباز و ۱۲۰۰ نفر از کردان مخالف عشایر فوق، به فرماندهی سرهنگ نخجوان متمرکز کرده بود (شرفکندی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

در یک مورد، کردهای جلالی به یاری شورشیان کردی که از ترکیه آمده بودند، به اردوگاه ایرانی‌ها شبیخون می‌زدند. بنابر اعتراف کرم‌خان سیاح، رئیس کمیسیون امنیت مرزی (مرز ایران ترکیه)، این شبیخون برای ارتش ایران مصیبتی بود و در این شبیخون ۱۲۶ سرباز ایرانی کشته و ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن زخمی شدند. به گفته‌ی منابع دیپلماتیک بریتانیا شمار تلفات سه برابر این رقم بود. اما تلفات نیروهای احسان نوری‌پاشا ناچیز بود و تنها ۷ کشته در رزمگاه از آنها یافت شد (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۳۰).

قیام کردها علیه دولت ترکیه در سال ۱۳۰۹ه.ش به اوج رسید. دولت ایران خواه‌ناخواه سیاست خود را با سیاست ترکیه همسو کرد و کردهای جلالی مقیم منطقه واقع در بین آارات و مرز شوروی را دسته‌جمعی کوچ داد (همان: ۱۲۸). مذاکرات حکومت‌های ایران و ترکیه که دولت عراق نیز به سهم خود در آن شرکت داشت، منجر به هماهنگی و همکاری وسیع آنها در جهت سرکوب نیروهای آارات گردید (شرفکندی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). قرار بر این شد که نیروهای ایرانی سه کیلومتر از پیرامون کوه آگری به طرف مرزهای داخل کشور عقب‌نشینی کنند و در این زمان نیروهای ترکیه با حمله به کردها و محاصره کردن آنها به قیام آنها پایان دهند (استادوخ، ۱۳۰۹، ک ۱۷، پ ۳۲/۳۸۶). عملیات نهایی نظامیان ترکیه بر ضد شورشیان در آارات در شهریور ۱۳۰۹ه.ش / آگوست ۱۹۳۰م آغاز شد. نیروهای ترکیه از سمت بازرگان و کوه آیک وارد مرزهای ایران شدند (همان). در زمانی که ارتش ترکیه مشغول عملیات بود، بنابر گفته رئیس کمیسیون مرزی سه وظیفه بر ارتش ایران مقرر شد: بستن مرز ایران برای جلوگیری از نفوذ (گُردها)

به هر شکل، تخلیه کردهای منطقه مرزی ایران و جنگیدن با کردهایی که در منطقه دست به «غارتگری و چپاول» می‌زدند (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۳۰).

درحالی‌که نیروهای احسان نوری پاشا توسط نظامیان ترکیه محاصره شده بودند (استادوخ، ۱۳۰۹، ک ۱۷، پ ۳۲/۳۸۶)، فرماندهی ماکو اعتماد و اطمینانی را که آزاراتی‌ها به دولت ایران داشتند علیه آن‌ها آزمایش کرد. برای ضعف و پراکندگی نیروهای آزارات، آغالاروف (معاون دوم حکومت ماکو) را به سرحد فرستاد و به فرمانده گرد اطلاع داد که آزاراتی‌ها می‌توانند کاروانی ترتیب داده به روستاهای ماکو بفرستند و آذوقه‌ی مورد نیاز خود را به آزارات ببرند. آزاراتی‌ها از این مساعدت فرماندهی ماکو خوشحال شده و کاروان بزرگی تشکیل داده به ایران روانه کردند، ولی دیگر روی آن کاروان را ندیدند. زیرا روز دوم حرکت کاروان، قوای عظیم ترکیه آخرین و بزرگترین حمله خود را به مرکز آزارات شروع کرد (نوری پاشا، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

نیروهای احسان نوری پاشا که تصور می‌کردند مانند عملیات‌های گذشته در صورت نیاز می‌توانند وارد خاک ایران شده و آذوقه و مهمات مورد نیاز را تأمین کنند، ناگهان متوجه شدند از پشت سر یعنی قسمت مرز ایران صدای توپ شنیده می‌شود. ابتدا تصور می‌کردند جنگی اشتباهی میان نیروهای آزارات و ایرانی رخ داده است، ولی در ادامه متوجه شدند که در این مدت میان دولت ایران و دولت ترکیه قراردادی منعقد گردیده است و به نظامیان ترکیه اجازه داده شده از خاک ایران به نیروهای شورشی حمله کنند. سرانجام پس از بیست روز نبرد سنگین، مقاومت کردهای آزارات شکست خورد و نیروهای نظامی ترکیه بر کل منطقه و از جمله بخش‌هایی از خاک ایران مسلط شدند و احسان نوری پاشا به ایران پناهنده شد (بیات، ۱۳۷۴: ۱۴۴-۱۴۳).

روزنامه ملیت پس از این موفقیت که دولت ترکیه در سایه کمک و مساعدت دولت شاهنشاهی ایران پس از چند سال خونریزی توانسته بود به دست آورد، عکس قبری را که دو انتهایش در روی قلل آگری بزرگ و کوچک قرار گرفته بود، کشید و روی سنگ این مزار نوشته بود «کردستان خیالی در اینجا مدفون است».



(نوری پاشا، ۱۳۸۰: ۳۳)

محمود اسد بوزقورد (Mahmoud Asad Buzqurd)، وزیر دادگستری وقت ترکیه، پس از سرکوب شورش آزارات با عجله این نکته را مطرح کرد: «آنهايي که اصل و نسب خالص ترکی ندارند، تنها یک حق در این کشور دارند: حق برده و بنده بودن» (کندال، ۱۳۷۹: ۵۸). همچنین چندسال بعد جلال بایار (Bayar) رئیس‌جمهور وقت ترکیه در جمعی به خبرنگاران گفته بود «کردها (جنبش‌های کردی) از بین رفتند و مابقی به زور اسلحه وارد مدنیت شدند» (قه‌زاز، ۱۹۷۱: ۴۳).

بدین ترتیب، شورش آزارات که پس از شورش سمکو و شورش شیخ سعید آخرین حلقه شورش کردها در دو کشور ایران و ترکیه بود، با مساعدت و همراهی ایران پایان یافت. این مسئله درحالی صورت می‌گرفت که از بدو تشکیل سلسله صفویه مناطق سرحدی کردنشین یکی از مسائل تعیین‌کننده در روابط میان سلسله‌های حاکم بر ایران و امپراطوری عثمانی بود و برقراری مناسبات دوستانه از کانال حل مسئله کردها می‌گذشت. سرانجام در دوره پهلوی اول و همتای ترکش، مصطفی کمال، این مسئله با همکاری میان دو کشور حل و فصل گردید.

قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه.ش / ۱۹۳۲ م

در خلال جنگ آزارات دولت ترکیه ادعای مالکیت اراضی آزارات کوچک را که در تصرف ایران بود، داشت (ارفع، ۱۳۸۲: ۷۲). کوه آزارات کوچک برای دولت ترکیه جهت سرکوب نیروهای احسان نوری پاشا و نیز تسلط بر آذربایجان دارای اهمیت راهبردی بود. نظامیان ترکیه پس از عقب‌نشینی نیروهای ایرانی، آزارات کوچک را اشغال کردند؛ اما پس از پایان جنگ آن را تخلیه نکردند و خواستار معاوضه این منطقه با مناطق کوچکی در قطور شدند (استادوخ، ۱۳۰۹، ک ۱۷، پ ۳۲/۳۸۶). نیروهای ترکیه پس از اشغال کوه آزارات خود را در موضع برتر دیدند و بر سر معاوضه این منطقه اصرار می‌نهادند؛ زیرا منطقه دلخواه خود را بدون هزینه تحت کنترل داشتند. دولت ایران اصرار داشت که کمیسیون سرحدی کار خود را آغاز کند و مسئله معاوضه را هر چه زودتر انجام دهد. کاردار نظامی ایران در پاریس به مقامات وزارت خارجه تذکر داد قبل از رضایت به هرگونه معاوضه بایستی دولت ایران اصرار کند نظامیان ترکیه خاک ایران را تخلیه کنند و سپس بر سر میز گفتگو بنشینند (همان، ۱۳۱۰ ش، ک ۱۹، پ ۳۲/۳۸۶)؛ ولی در این میان کسانی امثال محمدعلی فروغی بر این باور بودند که دولت ترکیه چشم‌داشتی به خاک ایران ندارد (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۶۵۴).

همان‌طور که انتظار می‌رفت آنکارا رسیدن به توافقی با تهران را ضروری دید و به نحوی به این خواست خود نائل آمد (کندال، ۱۳۷۹: ۵۸). از آغاز سال ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۰ ه.ش دو هیأت ترکیه رسماً از ایران دیدار کردند. یکی از هیأت‌ها که ریاست آن با جلال بایار رئیس‌جمهور آینده ترکیه بود، موافقت‌نامه‌هایی اقتصادی و مالی با ایران امضا کرد. دیگری به ریاست توفیق‌رشید وزیر امور خارجه وقت ترکیه، به این منظور به ایران آمده بود که منطقه آزارات کوچک را در ازاء بخشی از خاک ترکیه و مشتمل بر شش روستای کردنشین از ایران بگیرد (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۳۱). دولت ایران به این شرط که دولت ترکیه مالکیت ایران بر قطور و روستای بارژگه را به رسمیت بشناسد با این درخواست موافقت کرد. این درحالی بود که قطور طبق معاهدات دو طرف، متعلق به ایران بود و بارژگه نیز فاقد اهمیت بود. با وجود این، حتی دولت ترکیه حاضر نشد روستای بارژگه را به ایران واگذار کند، بلکه تنها دره بارژگه را به ایران داد. این قرارداد از هر نظر به زیان منافع ایران تمام شد. همچنین بر اساس قرارداد اسفند ۱۳۱۰ ه.ش (ژانویه ۱۹۳۲ م) دولت ایران تعهد داد اجازه ندهد کردهای ترکیه از خاک ایران برای اقدامات نظامی علیه ترکیه استفاده کنند (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

بدین ترتیب، حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران به تصرف ترکیه درآمد. این منطقه قله آزارات کوچک به بلندای ۴ هزار متر

را شامل می‌شد. هر دو دولت در تلاش بودند که این مسئله را جدی نگیرند و طوری وانمود کنند که انگار مبادله‌ای ارضی میان دو کشور شکل گرفته است. هرچند که واگذاری کوه استراتژیک آزارات کوچک و به دست آوردن مناطق بی‌ارزشی از دره بارژگه به هیچ‌وجه نمی‌توانست گویای مبادله‌ای برابر باشد (مخبر، فسای، ۱۳۲۴: ۸۳). همچنین این توافق موجب بی‌زاری مردم کردزبان از عملکرد ایران و سیاست‌های آن شد (برزویی، ۱۳۷۸: ۲۰۷). سرانجام در سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۱ ه.ش کمیسیونی به سرپرستی مظفر اعلم این توافقنامه را به تصویب رساند (معتضد و پسیان، ۱۳۷۸: ۴۳۶-۴۳۵).

عوامل مؤثر در عقد قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه.ش / ۱۹۳۲ م

ایران ابتدا نگاهی موافق به شورش آزارات داشت. برای نمونه نقل است نیروهای آزارات که نمی‌دانستند از توپ‌هایی که به غنیمت گرفته بودند استفاده کنند، از ظفرالدوله فرمانده نیروهای ایران در آذربایجان خواستند توپچانی برای آنان بفرستد و وی سرانجام چند ارمنی را بدین منظور به آنجا فرستاد (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۲۴-۱۲۵). در این میان عواملی در چرخش سیاست حمایتی ایران از جنبش احسان نوری پاشا و همراهی با دولت ترکیه در سرکوب شورش آزارات نقش داشتند. هر یک از این عوامل در موضع نهایی ایران در قبال شورش آزارات و عقد قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه.ش و ترسیم مرزهای شمال غربی ایران دارای اهمیت راهبردی بودند. در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره شده است.

۱. ورود نیروهای نظامی شوروی به مناطقی از ایران

شوروی اصولاً پس از امضای قراردادهای دو جانبه با ایران و ترکیه در سال ۱۹۲۱ م/ ۱۲۹۹ ه.ش از پشتیبانی جنبش‌های استقلال‌خواهی گُرد اجتناب می‌کرد. چراکه نزدیکی جنبش آزارات با ارمنی‌های داشناک را به هیچ‌وجه نمی‌توانست تحمل کند. از این رو، بسیار طبیعی به نظر می‌رسید که در سال ۱۹۳۰ م/ ۱۳۰۸ ه.ش یعنی در اوج جنگ‌های آزارات - که خود سرگرم سرکوب یک جنبش ناسیونالیستی در ارمنستان شوروی بود -، مرز خود را با ترکیه در کنار رود ارس به کلی مسدود کند و از وصول هر گونه کمک کردها و ارمنی‌های شوروی به جنگجویان آزارات جلوگیری کند؛ و اعلام دارد که در پشت زد و خورد‌های کوه آزارات دوباره دست امپریالیزم بین‌المللی پیدا است که در صدد ایجاد یک دیوار آهنین به دور اتحاد شوروی است (شرفکندی، ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۴۷). به نظر می‌رسد پشت پرده این سیاست مخالفت جدی شوروی با شورش آزارات بود؛ که از تحت فشار قراردادن ایران به همکاری با ترکیه در سرکوب شورشیان آغاز شد و به تدریج به صف‌آرایی نظامی در مرزهای شوروی و آزارات با کردها نیز رسید (بیات، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۲۶). در مواردی نیروهای شوروی با ورود به بعضی مناطق آذربایجان ایران تهدید و فشار خود را علیه دولت ایران عملی کردند (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۴۷). ایران مدتی طولانی بر ضد فشارهای سیاسی روس و ترک مقاومت کرد، ولی زمانی رسید که روابط ایران و ترکیه به مقطع حادی رسیده بود و احتمال وقوع جنگ بین آنها بسیار نزدیک به نظر می‌آمد (همان).

۲. تمرکز دولت بر مسائل داخلی و اجتناب از درگیری نظامی با ترکیه

به نظر می‌رسد عامل دیگری که در موضع نهایی دولت ایران در قبال شورش آزارات نقش داشت تلاش دولت ایران برای عدم رویارویی نظامی با ارتش ترکیه بود؛ که این امر با توجه به مشکلات داخلی و سرگرم بودن دولت ایران در زمینه اصلاحات قابل فهم است. در توضیح این مطلب باید اشاره کرد که پس از روی کار آمدن رضاشاه سرکوب شورشی‌های شمال ایران و ایستادگی در برابر

نفوذ کمونیسم از اولویتهای رضاشاه به شمار می‌رود. از این رو نخستین اقدام قابل توجه وی پس از کودتا در اسفند ۱۲۹۹ ه. ش پایان دادن به هرج و مرج و نابودی قدرت حکام محلی ایران بود؛ چیزی که دقیقاً برعکس و ضد آن چیزی بود که انگلستان برای ایران می‌خواست (زیباکلام، ۱۳۹۸: ۲۸).

به نظر می‌رسد اولویت اصلاحات داخلی کشور توسط دولت رضاشاه باعث شده بود سیاست خارجی وی با همسایگان بر عدم تنش و درگیری متمرکز گردد. بنابراین دولت وقت ایران علاقه‌ای برای وارد شدن به یک جنگ بزرگ نداشت. هرچند که در تمام سال‌های شورش آزارات تهدیدات ترکیه برای تمامیت ارضی ایران ادامه داشت (بهمنی، ۱۳۹۰: ۶۶۳-۶۵۸)، در بعضی موارد در نزدیکی آزارات نزاع‌هایی میان محافظین سرحدی ایران و مرزبانان ترکیه گزارش شده است. در یک مورد، نظامیان ایران به یکی از پست‌های ترکیه حمله کرده و تپه‌ای را از آنان گرفتند و مبارزان کرد به محل واقعه به کمک ایرانیان شتافتند. فرمانده سرحدی ترکیه وخامت اوضاع را دریافت، فوری با افسر ایرانی مذاکراتی کرد و اختلاف را رفع نمود (نوری‌پاشا، ۱۳۷۸: ۸۱).

در ۱۲ ژوئن ۱۹۳۰ م/۲۲ خرداد ۱۳۰۹ ه. ش درگیری بزرگی میان نیروهای کرد و نظامیان ترکیه به وجود آمد و هر دو طرف تلفات زیادی دادند (مک‌داول، ۱۳۸۳: ۳۵۶).

۳. حمایت نکردن جامعه جهانی از شورش آزارات

یکی دیگر از عواملی که باعث تغییر موضع ایران نسبت به شورش آزارات شد حمایت نکردن قدرت‌های بین‌المللی از نیروهای احسان نوری‌پاشا بود. با اینکه در ابتدای شروع شورش آزارات دولت ایران نظر موافقی نسبت به این امر داشت و وجود کمک‌هایی به مبارزین آزارات گزارش شده است (کوچرا، ۱۳۷۳: ۱۲۵-۱۲۴)، به نظر می‌رسد هیچ یک از دولت‌های همسایه و قدرت‌های بزرگ حامی جنبش کردهای ترکیه نبودند. شواهد نشان می‌دهد که ترکیه و روسیه در مقابل شورش آزارات سیاستی همسو داشتند؛ و فرانسه در سوریه جبهه‌گیری خصمانه‌ای نسبت به این جنبش داشت و اجازه نداد که شورشیان آزارات از طرف کردهای سوریه کمکی دریافت کنند (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۵۱). همچنین در رویارویی نهایی کردها و نظامیان ترکیه در سال ۱۳۰۹ ه. ش، بریتانیا که متهم به حمایت از جنبش آزارات بود نه تنها حمایتی از شورشیان آزارات نکرد، تلاش‌هایی را نیز برای جلوگیری از پیوستن کردهای عراق به این شورش به عمل آورد (بیات، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۲۶). بدین ترتیب، حمایت نکردن کشورهای ابرقدرت و جامعه جهانی از جنبش آزارات باعث شد دولت ایران از حمایت کردهای آزارات دست بردارد و موضع خود را نسبت به مبارزین آزارات تغییر دهد.

۴. پایان دادن به اختلافات مرزی

همان‌طور که پیشتر گفته شد، سیاست خارجی دولت پهلوی مبتنی بر روابط مثبت و سازنده با کشورهای همسایه و رفع اختلافات مرزی بود. رضاشاه تلاش می‌کرد یک بار برای همیشه به اختلافات مرزی با کشور ترکیه پایان دهد. بنابراین محمدعلی فروغی به‌عنوان بخشی از دستگاه حاکم پهلوی معتقد بود در جریان درگیری مبارزان آزارات با نیروهای ترکیه ایران بایستی به فکر امنیت مرزهایش باشد؛ و با ممانعت از یاری کردهای جلالی به شورشیان آزارات، به صمیمیت روابط دو کشور کمک کند؛ چراکه به باور ایشان ترکیه در عقد قرارداد ۱۳۱۰ ه. ش چشم‌داشتی به خاک ایران نداشت (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۶۵۴). اما حوادث بعدی خلاف این نظر را ثابت کرد.

حسین مکی در کتاب تاریخ بیست ساله به نقل از رضاشاه در توضیح عقد قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه. ش آورده است که با این قرارداد «دو دستگی و جدایی که بین ایران و ترکیه از چندین صد سال وجود داشت و همیشه به زیان هر دو کشور و به سود دشمنان ما بوده

است، از میان می‌رود و آنچه مهم است این است که ما با هم دوست باشیم» (مکی، ۱۳۶۲: ۱۵۳). دولت پهلوی در توضیح این قرارداد مسئله مبادله ارضی را پیش کشید و توانست از این راه به انتقاداتی که متوجه دولت می‌شد، پاسخ دهد.

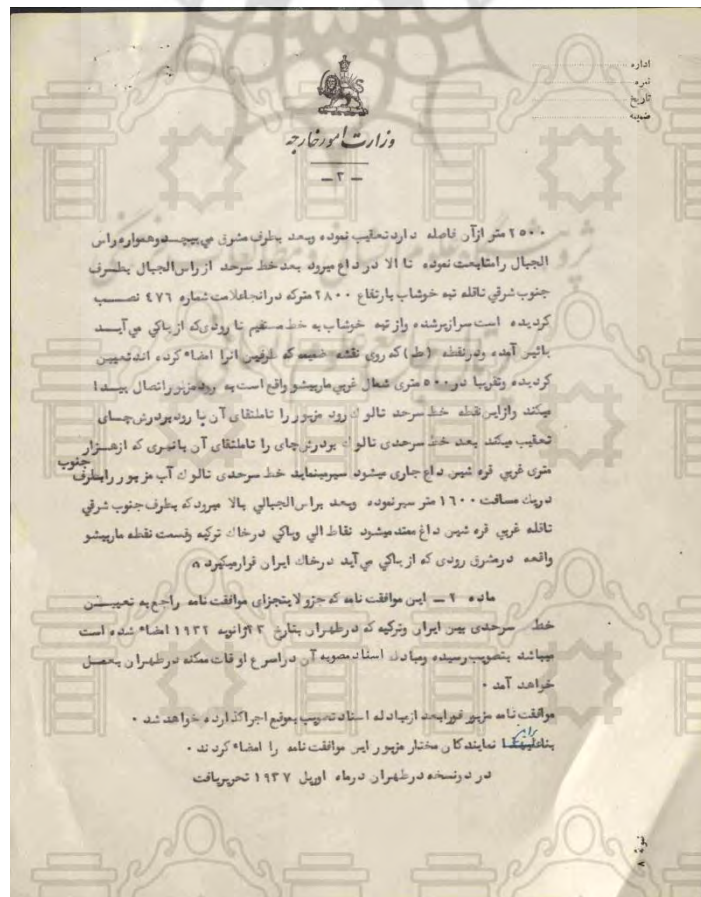
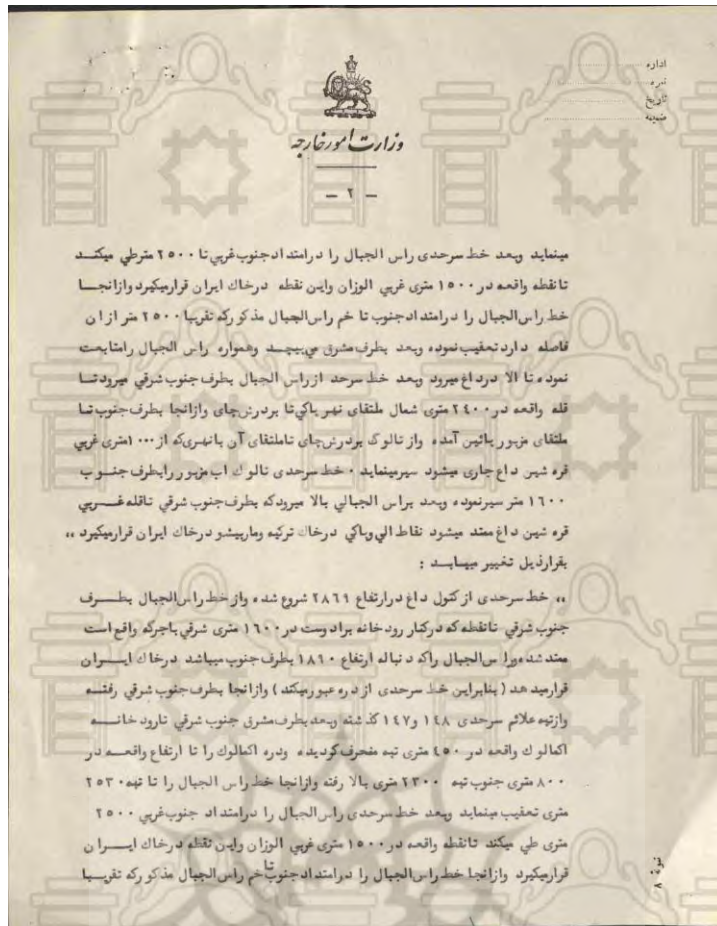
نتیجه‌گیری

چند دستگی آرا و نظرات متفاوت در میان سیاستمداران دولت پهلوی در قبال شورش آزارات نقش بسیار مهمی در موضع‌گیری و عقد قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه. ش و ترسیم مرزهای شمال غربی کشور داشت. دولت پهلوی در اوایل شورش آزارات موضعی مثبت نسبت به آن اتخاذ و با نیروهای احسان نوری پاشا ارتباط برقرار کرد. زیرا در صدد بود از برگ کردهای شورشی علیه دولت ترکیه استفاده کند و از این طریق امتیازاتی را به دست آورد. در ادامه، دولت ایران تحت تأثیر عواملی نظیر هم‌پیمانی شوروی با نیروهای ترکیه و اشغال بخشی از مناطق آذربایجان ایران توسط نظامیان شوروی، حمایت نکردن کشورهای ابرقدرت از شورش آزارات، رفع اختلافات مرزی چند صد ساله‌ی ایران و ترکیه و تثبیت خطوط مرزی، از حمایت مبارزین آزارات دست برداشت.

به نظر می‌رسد آنچه که بیشتر از هر چیز دیگر در تغییر موضع رضاشاه در قبال شورش آزارات نقش داشت، تمرکز دولت پهلوی اول بر مسائل داخلی و انجام اصلاحات بود. با توجه به هم‌زمانی شورش آزارات با نخستین سال‌های روی کار بودن دولت پهلوی، شخص رضاشاه و دولت پهلوی که سخت مشغول انجام اصلاحات سراسری در بخش‌های مختلف جامعه بودند به هیچ‌روی تمایلی را برای وارد شدن به یک جنگ غیر ضرور و زیان‌آور با هر یک از کشورهای همسایه نداشتند. از این رو، دولت پهلوی تا زمانی که خطری جدی و غیر ضروری متوجه ایران نبود از نیروهای احسان نوری حمایت کرد و در آخر با توجه به عوامل ذکر شده، به همکاری کردن با دولت ترکیه در فرایند شکست دادن شورشیان آزارات روی آورد.

پیوست‌ها: اصلاحات جزئی برخی از مفاد عهدنامه قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ه. ش / ۱۹۳۲ م





منابع

الف: کتب و مقالات

منابع فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۸۹). روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همسایگان، مطالعه موردی ترکیه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- اداره پنجم سیاسی (۲۵۳۵ شاهنشاهی). تحولات روابط دولت شاهنشاهی ایران، تهران: اداره انتشارات و مدارک.
- ارفع، حسن (۱۳۸۲). گردها، یک بررسی تاریخی و سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول (۱۳۶۹). ج ۵، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- اکوپف (هاکوپیان). گ. ب و حصارف، م. ا (۱۳۷۶). گردان گوران و مسأله گُرد در ترکیه (از آغاز جنبش کمالیان تا کنفرانس لوزان). ترجمه سیروس ایزدی، تهران: حیدری.
- امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳). خاطرات نخستین سپهبد ایران احمد امیراحمدی، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: آرمان.
- انتصار، نادر (۱۳۸۵). مافیای قدرت و دفن دموکراسی، ترجمه عرفان قانع‌فرد، تهران: مؤلف.
- اندجانی، جهانگیر و ساسونی، کارو (۱۳۹۴). *داشناک - خویبون، نگاهی به هم پیمانی ارمنی‌ها و کردها در شورش آزارات (۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش)*. به کوشش: کاوه بیات، تهران: پردیس دانش.
- بدرخانی، علی (۱۳۸۱). ترکیه، دموکراسی و گردها، تهران: مهارت.
- برزویی، مجتبی (۱۳۷۸). *اوضاع سیاسی گُرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: فکرنو.
- بلو، ژویس (۱۳۷۹). *بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله گُرد*، ترجمه پرویز امینی، تهران: شالوده.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۹۰). *تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی*، تهران: موسسه مطبوعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بیات، کاوه (۱۳۷۴). *شورش گردهای ترکیه و تاثیر آن بر روابط خارجی ایران (۱۳۱۱-۱۳۰۷)*، تهران: تاریخ ایران.
- حسین‌خوانی، نورالله (۱۳۸۴). *روابط ایران با کشورهای همسایه*، تهران: سازمان چاپ محراب قلم.
- دهنوی، نظام‌علی (۱۳۸۶). *اسنادی از روابط ایران و ترکیه*، تهران: مرکز اسناد وزارت خارجه.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۸). رضاشاه، تهران: انتشارات روزنه.
- شرفکندی، صادق (۱۳۹۲). *تاریخچه‌ی جنبش‌های ملی گُرد (از قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم)*، اربیل: اتحادیه‌ی دانشجویان دموکرات کردستان ایران.
- کنان، درک (۱۳۹۸). *گُرد و گُردستان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نگاه.
- کندال (۱۳۷۹). *گُردستان ترکیه*، ترجمه نامیق صفی‌زاده، تهران: نذیر.
- کوچرا، کریس (۱۳۷۳). *جنبش ملی گُرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: خاشع.
- محمدی (کلهر)، آیت (۱۳۸۲). *سیری در تاریخ سیاسی گُرد و گردهای قم*، تهران: پُرسیمان.

- مخبر فروغ و فسایی، محمد-علی (۱۳۲۴). مرزهای ایران، تهران: کیهان.
 - معتضد، خسرو و پسیان، نجفقلی (۱۳۷۸). از سواد کوه تا ژورهانسبورگ، تهران: ثالث.
 - مک داول، دیوید (۱۳۸۳). تاریخ معاصر گُرد، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانیزد.
 - مکی، حسین (۱۳۵۸). تاریخ بیست ساله ایران، تهران: امیرکبیر.
 - مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۹۱). تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم)، تهران: امیرکبیر.
 - نوری پاشا، احسان (۱۳۸۲). جنبش ملی کرد در ترکیه، ترجمه محمدرئوف توکلی، تهران: گلبان.
 - نوری پاشا، احسان (۱۳۷۸). وقایع آزارات، خاطرات احسان نوری پاشا، فرمانده گُردهای شورشی ترکیه، ۱۳۰۹-۱۳۰۷ ش، به کوشش کاوه بیات، تهران: فاروس.
 - نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶). گُرد و گُردستان، ترجمه: محمد قاضی، تهران: نیلوفر.
 - همدی، و (۱۳۷۸). گُردستان و گُرد در اسناد محرمانه بریتانیا، ترجمه بهزاد خوشحالی، تهران: نور علم.
- منابع گُردی
- داقوقی، نیراهیم (۲۰۱۲). کوردی تورکیا، وه‌رگیان: هیئت عه‌زیز کاکه‌یی، هه‌ولیر: روژهل‌ات.
 - قه‌زاز، ره‌مزی (۱۹۷۱). بزوتنه‌وی سیاسی و روشن بیری کورد (له کوتایی چه‌رخ‌ی نوزده‌هه‌مه‌وه تا ناوه‌راستی چه‌رخ‌ی بیست)، سولیمانیه: ژین.
 - مه‌زه‌هر، که‌مال (۲۰۰۱). چه‌ند لاپه‌ره‌یک له میژوووی گه‌لی کورد (به‌شی یه‌کم)، به‌غداد: الادیب البغدادیه.
- ب: روزنامه‌ها و مجلات
- روزنامه اطلاعات (۱۵ فرودین ۱۳۰۶).
- ج: اسناد
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه به شارژدافر ایران در آنقره (۱۳۰۶)، چهارم مهر ۱۳۰۶، نمره ۱۳۲، کارتن ۴۲، پرونده ۲۰.
 - -----، از سفارت کبرای ایران در آنکارا به وزارت امور خارجه (۱۳۰۹)، ۸ شهریور ۱۳۰۹، نمره ۵۷، کارتن ۱۷، پرونده ۳۲/۳۸۶.
 - -----، از سفیر ترکیه در تهران به کفیل وزارت امور خارجه ایران (۱۳۰۶)، ۵ ایلول ۱۹۲۷، بدون نمره، کارتن ۴۲، پرونده ۲۰.
 - -----، از وزارت امور خارجه به ریاست کمیسیون تحدید ایران و ترکیه (۱۳۰۹)، ۲۶ آبان ۱۳۰۹، نمره ۸۰۰، کارتن ۱۷، پرونده ۳۲/۳۸۶.
 - -----، از وزارت امور خارجه به سفارت ایران در آنکارا (۱۳۰۹)، ۱۷/۶/۱۳۰۹، نمره ۵۹۷، کارتن ۱۷، پرونده ۳۲/۳۸۶.

-----، تلگراف رمز از سفارت ایران در آنکارا به وزارت امور خارجه (۱۳۰۶)، ۱۳۰۶/۸/۸، نمره ۷۵۱،

کارتن ۴۲، پرونده ۲۰.

- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، اصلاحات جزئی قرارداد مرزی ۱۳۱۰ ش (۱۳۱۰).

